

مدیریت منابع انسانی در هنر  
بخشید رشته ی شما چیه؟

گزارشی از نمایشگاه فرش قم

مصاحبه

تقد کتاب و...

جله/نشریه تخصصی انجمن علمی فرش دانشگاه کاشان/شماره اول/زمستان ۹۱

نشریه تخصصی انجمن علمی فرش دانشگاه کاشان



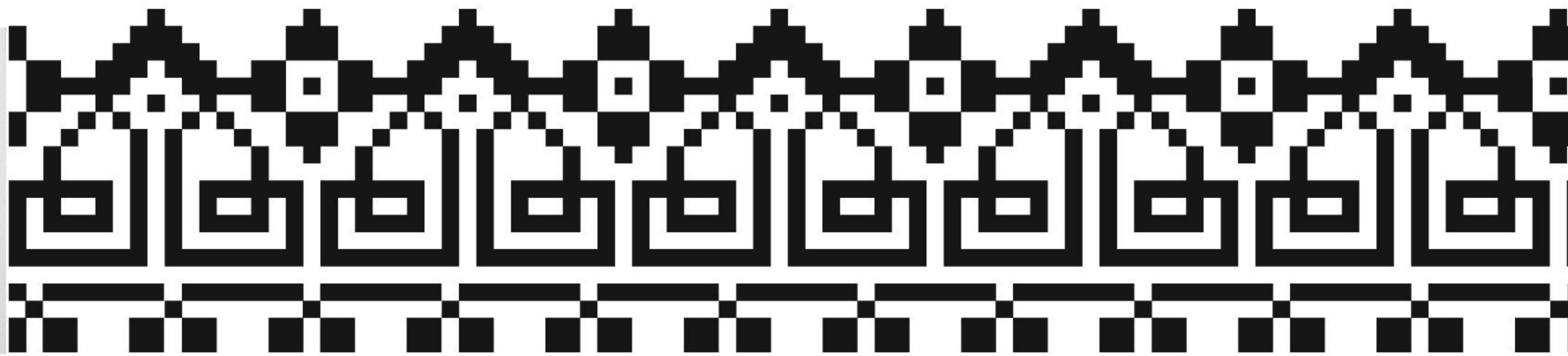
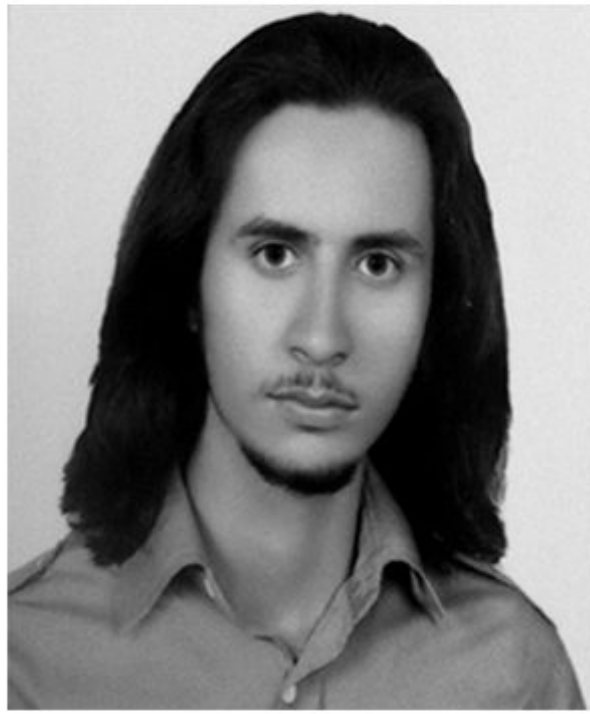
## پهنه قالی

ماه امشب همچو خورشید گران  
چون عروسان شب نما کرده به سر  
پهنه قالی است گویی آسمان  
گرد بر گرد ترنج زرنگار  
چهارسو بنشسته لچکها قرین  
یا بیابد از دو سو راه گریز  
لیک آن زنجیرها زنجیره وار  
شاه عباسی گل ریز و درشت  
بر زمینه فروش پاشیده چنان  
خط اسلیمی نگر چون کهکشان  
طرحها بین از گل و مرغ و درخت  
هست بر تسبیح حق چاره ساز  
بر فراز جو درخت زندگی  
هشت پر بین چارپر بر چارپر  
رنگ آبی در کنار سبز و زرد  
صورتی از ره رسد پر جنب و جوش  
پهنه قالی شده میدان او  
جنگ چون اندر میان بگرفت بن  
زان میان برخاست نال از پود و تار  
ای تو نازک باور کم زود رنگ  
پهنه قالی ندارد تاب رزم  
این سرا بنیان شده بر دوستی  
تار و پود و پرز و رنگ و طرح و نقش  
از سراسر وحدت آنان ببین

می درخشد بر فراز آسمان  
بر رهش گسترده فرش سیم و زر  
ماه زیبا چون ترنجی در میان  
شمسه‌ها قندیلها بس استوار  
تا نماز آرد بدان مهر آفرین  
وارهد ز افشار طره ریز ریز  
راه بگرفته بدیشان ره مدار  
برگو گل فراوان مشت مشت  
بر ره آن نازنین گل باغبان  
ریخته گل در برش ز استارگان  
کرده ترسیم آن شه بی تاج و تخت  
طاق و محراب و شبستان در نماز  
کاشته طراح، طرح زندگی  
چرخ چرخان دور آن پر کر و فر  
با وقار اما تنی پر درد و سرد  
تا کجا شد آن نگار گل فروش  
لیک قرمز می کشد کندان او  
تار و پود و پرز آمد در سخن  
کای تو مسکین رنگ دست از او بدار  
چندیابی خویشتن را مرد جنگ  
رزم نه بهر رقیبان گیر بزم  
آب رحمت بین چه سان در جوستی  
جمله را بافنده داد از مهر نقش  
کاین جهان بگرفت نام، ایران زمین

احمد دانشگر





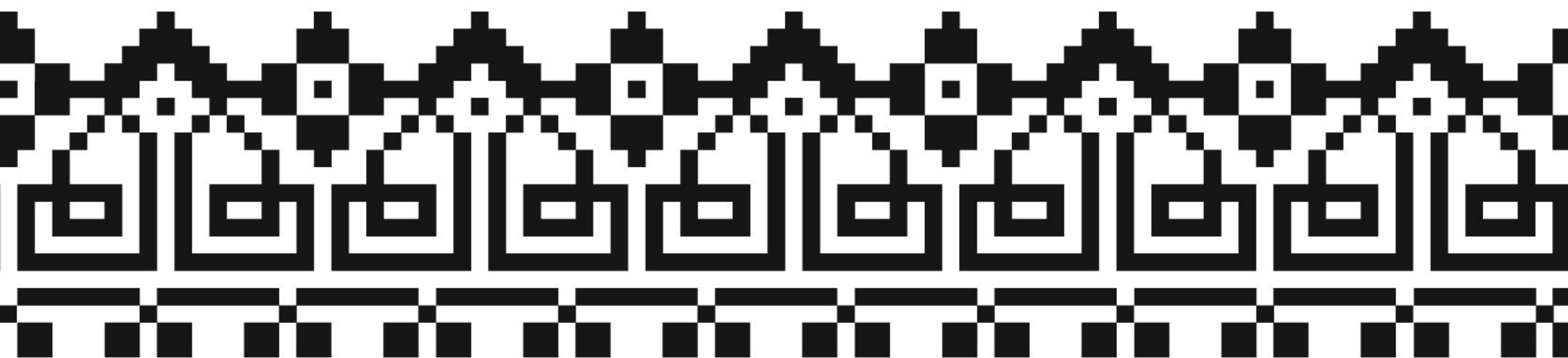
## سخن مدیرمسئول.....

با درود بر تمامی خوانندگان عزیز

با توجه به اقداماتی که سال گذشته برای انتشار نشریه چله انجام شد و متأسفانه موفق به چاپ آن نشدیم، امسال با ورود دانشجویان کارشناسی ارشد فرش و تلاش هایی که برای راه اندازی مجدد این نشریه صورت گرفت توانستیم گام نخست را برای جذب دانشجویان و علاقه مندان به هنر فرش را برداریم. با امید و آرزوی رضایت مندی تمامی دوست داران فرش، این نشریه تقدیم شما خواننده ی بزرگوار می گردد.

عارف جهانگیری

دبیر انجمن علمی فرش



در باب اهمیت فرش دستباف مطالب بسیاری گفته شده است و به نظر می آید دیگر نیازی به نوشتن در این مورد نباشد. اما با نگاهی به وضعیت فعلی فرش دستباف این سؤال پیش می آید چرا با وجود انعکاس وسیع اینگونه مطالب در باب اهمیت آن، وضعیت فرش دستباف در ایران چندان خوشایند نیست و به نظر می رسد با گذشت زمان نه تنها بهبودی حاصل نمی شود بلکه حادثه هم می شود؟! آیا باز هم باید در باب اهمیت آن نوشت؟! البته خوبست که گاهی مطلبی در این مورد نوشته و انعکاس یابد ولی در حال حاضر فرش دستباف ایران بیشتر از اینکه نیاز به اعطای درجه اهمیت داشته باشد نیازمند راهکار نظری و مخصوصاً عملی می باشد تا جان تازه ای یابد و بتواند جایگاه واقعی خود را دوباره بدست آورد. در این راه به جرات می توان گفت که دانشجویان و دانش آموختگان فرش از اهمیت خاصی برخوردار خواهند بود. نشریه چله با این قصد و به امید همین قشر تاثیر گذار فعالیت خود را آغاز کرده است و امیدوار است شاهد فعالیت هر چه بیشتر و با انگیزه تر آنان باشد. منتظر یادداشت ها، مقالات، نظرات و پیشنهادات شما دوستان فرش ی هستیم.

عبدالسلیم قره بائی

سردبیر نشریه چله

هیئت تحریریه:

عارف جهانگیری، شهذخت رحیم پور

سید محمد مهدی میرزا امینی، پرویز داوودیان پور

طراحی لوگو، جلد و صفحه آرای: ابوالفضل الماسی



دانشگاه کاشان  
دانشکده هنر و معماری



انجمن علمی فرش کاشان





## مدیریت منابع انسانی در هنر - صنعت فرش

شهدخت رحیم پور

فرش در اقتصاد ایران یک مزیت نسبی ست. عوامل مرتبط با این هنر - صنعت شامل نیروی انسانی، سرمایه (فرش از منابع مادر نیست و نیاز به سرمایه گذاری کلان ندارد)، تکنولوژی (که در حیطه فرشهای ماشینی و ابزارآلات در ارتباط است) و مواد اولیه که عنصر اصلی تعیین کننده استانداردهای تولیدی می باشد.

نیروی انسانی بعنوان عنصر اصلی در فرش دستباف از مدیریت تولید با افراد ذی ربط تا مرحله ای که کالا آمادگی حضور در بازار را دارد و مدیریت بازار پیوسته با نیروی انسانی به طور مستقیم در ارتباط است.

مدیریت منابع انسانی در فرش تخصص ویژه ای است که کوشش می کند تا در جهت کسب رضایت عوامل انسانی مرتبط با هنر - صنعت فرش بعنوان یک کالای سود آور، سیاست گذاری، برنامه ریزی و فعالیت نماید.

توجه به مدیریت منابع انسانی در واقع جنبه مدیریت انسانی ست و مهمترین عوامل در ارتقای کیفیت و کمیت تولیدات و ارائه تولید و خدمات مرتبط با فرش در یک سازمان یا شرکت تولیدی یا سایر ارگانهای مرتبط می باشد. مدیران منابع انسانی نیز با مسائل مربوط به نیروی انسانی در جهت تامین تا تحقق اهداف ارگان یا سازمان یا شرکت تولیدی و ... را پیگیری و اجرا می نماید.

به طور کلی "فلسفه نوین مدیریت منابع انسانی، ساختار و سازماندهی آن به شکل امروزی همگی نتیجه تعامل میان مجموعه حوادث و تحولاتی ست که با وقوع انقلاب صنعتی در انگلستان (حدود ۱۷۶۰) آغاز شده است و تا به امروز ادامه دارد. البته پیدایش و رشد تدریجی مدیریت منابع انسانی به پیشتر از آن و دوران باستان بازمیگردد." (سعادت، ۱۳۸۵، ۹). از آنجا که در شغل های مرتبط با فرش

۱- نیاز به مهارتها و تواناییهای گوناگون وجود دارد.

۲- هویت در انسجام انجام کار موثر است.

۳- انجام وظایف در هر حیطه مهم است.

۴- آزادی عمل و خلاقیت تصمیم گیری مراحل کار مهم است.

۵- نتایج حاصله از موارد فوق در یک مثلا پروسه ی تولید نحوه عملکرد عوامل را در بازخور نشان می دهد.

از اینجاست که (هویت، تنوع و با اهمیت بودن) دلیلی بر عملکرد افراد می شود. ویژگیهای عامل انسانی (ergonomics) که با ابزار، وسایل تجهیزات و شرایط کار در جهت حداکثر کارایی که همراه با بهداشت و ایمنی کار و رضایت نیروی انسانی باشد نیز در این شاخه مدیریت گنجانده می شود. هر چند فرش در آغاز بافته شدن و شکل گیری اش بر اساس ویژگی های زیستی و اقلیمی و فیزیکی انسان ها شکل گرفته است، اما طراحی و مدیریت صحیح عوامل انسانی در حیطه فرش دستباف در کنار موارد فوق از بروز عوارض فیزیولوژیکی منفی در نیروی انسانی می کاهد.







تاریخچه مدیریت منابع انسانی با انقلاب صنعتی، نهضت کارگری، نهضت مدیریت علمی، روانشناسی صنعتی و مکتب روابط انسانی آمیخته است.

منابع انسانی در مقوله هنر - صنعت فرش از دو زاویه قابل دیدن است:

۱- تشکیلات اداری و سازمانی

۲- تشکیلات غیر اداری

در این پروسه علاوه بر کلیت اهداف تدوین شده نیازهای نیروی انسانی نیز سویه دیگر این management است.

هدف مدیریت منابع انسانی، افزایش کارایی نیروهای انسانی است. در شیوه perceptual-motor (ادراکی - حرکتی) پیامدهای روانی انسانها با ابزار و وسایل، محیط کار، اطلاعات و تکنولوژی مورد توجه است که انضباط کار که بدون خستگی انجام شود نتیجه همگونی مدیریت صحیح در این زمینه است.

در فرایند برنامه ریزی نیروی انسانی شمه ای از حقوق و دستمزدها این حیطه ی مدیریت را در هنر - صنعت فرش بیان میکنیم: یکی از دلایل توجه و دقت نظر مهم مرتبط با این هنر-صنعت کسب درآمد کافی برای گذراندن امور زندگی است.

"حقوق و دستمزد در واقع چیزی بیشتر از ارضای نیازهای زندگی منابع انسانی یک سازمان را در بر دارد. حقوق و دستمزد مناسب در طرز رفتار، سطح زندگی، قدرت خرید و سلامتی روحی - روانی افراد یک جامعه تاثیر فراوان دارد و نهایتا باعث افزایش تولید و کارایی در سازمانها خواهد گردید و حقوق و دستمزد غیر منصفانه

باعث ایجاد بحران اقتصادی، تقلیل کارایی، رفتارهای ناهنجار و مفسد اجتماعی خواهد گردید از این رو باید بدان توجه کافی مبذول گردد." (ابطحی ۱۳۷۹، ۱۰۶) مثلا رفتارهای ناهنجار مرتبط با حقوق و دستمزد نامناسب برای یک بافنده سبب کم کاری پنهان و آشکار، عدم ارائه فرشهای استاندارد، عدم توجه به معیارهای مدنظر ارباب رجوع، انجام ندادن صحیح کارها، سوءاستفاده هایی چون غلط بافی میگردد.

اصطلاح دستمزد با حقوق تفاوت است، دستمزد مبلغ خالصی ست که به کارگر پرداخت میشود "مبنای محاسبه آن ساعت است و منظور از حقوق پرداختهایی ست که ماهانه صورت می پذیرد. دستمزد متداولترین شیوه پرداخت به کارگران و حقوق متداولترین شیوه پرداخت به کارمندان است." (سعادت، ۱۳۸۵، ۲۷۲) در دیگر موارد مرتبط با مدیریت منابع انسانی در فرش مزایایی مانند بیمه، هزینه زندگی (در ارتباط با حداقل های سطح زندگی ست) از طرفی سطح زندگی که در جوامع مختلف و طبقات مختلف متفاوت است.

اهمیت حقوق و دستمزد آنقدر زیاد است که با نظریه های مانند عرضه و تقاضا، اتحادیه ها، قدرت پرداخت، کارایی، قوانین و مقررات دولتی، زندگی فرهنگی و ارزشی در ارتباط است...

مدیریت منابع انسانی - سید حسن ابطحی ۱۳۸۵ -

مدیریت فتنار سازمانی - زهرا برومند ۱۳۸۳ -

مدیریت منابع انسانی اسفندیار سعادت ۱۳۸۵ -







ببخشید رشته شما چیه؟  
سید محمد مهدی میرزاامینی

روز گذشته در جمعی بودم که به خاطر تازه وارد بودنم به آن جمع لازم بود خودم را معرفی مختصری کنم. طبق معمول از خودم و خانواده و کارهایی که انجام داده بودم و قرار بود انجام بدم و تحصیلات و ... گفتم. میان صحبتیم یکی از مستمعین پرسید ببخشید رشته شما چی بود؟ گفتم فرش. صحبت ادامه پیدا کرد و تا یه جورایی معرفی بنده برای حاضران به اتمام رسید. فرد دیگری در جمع دوباره پرسید ببخشید گفتید رشتهتون چیه؟ من که فکر کردم شاید گنگ گفته‌ام دوباره گفتم خدمتون که عرض کردم طراحی فرش. با حالتی که گویا متوجه نشده باشد دوباره گفت یعنی چی؟ طرح فرش می‌کشید؟ برای فرش ماشینی کار می‌کنید؟ من گفتم نه فرش دستباف. برای فرش دستباف طراحی می‌کنیم. ادامه دادم ما در دانشگاه با اصول و مبانی طرح و نقش و رنگ فرش دستباف به صورت تخصصی آشنا می‌شویم و سایر دروس مرتبط با فرش دستباف را به صورت پایه یاد می‌گیریم. بنده خدا فردی که سوال را پرسیده بود چهره‌اش طوری شده که گویا بهش گفته‌ام ایران قهرمان جام جهانی فوتبال شده است! بسیار متحیر سایر جمع را نگاه کرد و گفت به حق چیزای نشنیده! جمع هم که گویا تا آن موقع تو رودربایستی چیزی از رشته‌ام نپرسیده بودند آن‌ها هم هیچ نمی‌دانستند و کاملاً مشتاق بودند ببینند این رشته فرش عجب موجودی است. چند دقیقه سکوت و بعد از مدتی همان بنده خدا با حالتی طنز گونه از من پرسید خوب حالا بعدش چکار می‌کنید؟! من که دیدم تصویر مخاطبم از فرش دستباف چیزی دگرگون از آن چیزی است که من می‌دانم توضیحاتی برایش دادم. ولی خوب می‌دانستم که او الان به هیچ وجه نخواهد پذیرفت که فرش دستباف نیاز به آموزش آکادمیک دارد و در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود. البته برای اینکه به فکر سلامتی آن بنده خدا بودم نگفتم که بنده از اول مهرماه دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی فرش خواهم شد چون بعید نبود ایشان از شدت تعجب سخته کند!

نکته جالب این که این بزرگوار فردی تحصیل کرده و دانشگاه رفته بود و در آن جمع تحصیل افراد تحصیل کرده کم نبودند. با این حال با مقوله رشته فرش به شدت بیگانه بودند و برایشان گویی چنین رشته‌ای در دانشگاه مسخره بود. کم نیستند دانشجویان و دانش‌آموختگان فرشی که به دفعات چنین داستان‌هایی را تجربه کرده باشند؛ شاید شیرین‌تر و یا تلخ‌تر از این داستان. البته شاید برای من هم بسیاری از رشته‌های دانشگاهی گنگ باشند یا به گوشتم نخورده باشد یا ندانم در آن رشته‌ها چه می‌گذرد که عموماً از پایین بودن سطح اطلاعات در آن زمینه تخصصی است. اما آیا در ایران هستند افرادی که فرش دستباف را شناسند؟ یا ندیده باشند؟ یا در مورد آن عکسی، طرحی نظرشان را جلب نکرده باشد و آن را تحسین نکرده باشند؟ بعید میدانم. حال چگونه می‌شود که با شنیدن نام رشته فرش یا دانشجوی فرش اینچنین متحیر می‌شوند که گویی دروغی شاخدار شنیده‌اند یا لطیفه‌ای به غایت خنده دار؟!

وقتی بخواهیم اندر این موضوع و ذهنیت جامعه‌ای که رشته تحصیلی را صرفاً پزشکی یا مهندسی می‌داند و هنر و هنرمند را تنها نقاشی و فلان هنرپیشه سینما می‌داند اندکی دقیق شویم می‌توانیم دلیل این نگرش به رشته فرش را در یکی دو مسئله بیابیم. یکی اینکه فرش در ذهن جامعه ما حرفه‌ای پست تلقی می‌شود که این حرفه پست جایی در دانشگاه ندارد و همین مسئله تعجب آن‌ها را بر می‌انگیزد. نکته دیگر این است که آن‌هایی هم که فرش را تا حدودی می‌شناسند و نسبت به ابعاد آن آشنا هستند، اینطور پیش خود می‌گویند که خوب در دانشگاه به این‌ها چه چیزی یاد می‌دهند؟ مگر فرش‌بافی چیست؟ چه کار مشکلی است؟

بعد مثال می‌آورند که مثلاً کبری خانم یا اکبر آقا مگه دانشگاه رفتند؟! اونها خیلی هم خوب می‌بافتند و فرش‌هاشونو رو هوا می‌بردند! بعد هم مسئله را کشش میدهند به جاهای دیگه و آخر سر هم میگن دانشگاه هم دانشگاه‌های قدیم!

چندی پیش در جمع چندین تن از دانشجویان فرش که از دانشگاه‌های مختلف بودند بودم. یکی از دوستان در بیان مشکلات این رشته به همین مسئله اشاره داشت. او می‌گفت هر جا می‌گوییم فرش می‌خوانیم فوراً می‌گویند فرش می‌بافید؟! این هم نکته دیگری است که فرش را علیرغم گستردگی چندین جنبه‌اش با مهارت‌ها، هنرها و علوم مختلف صرفاً در بافت فرش خلاصه می‌کنند. مثل اینکه اگر کسی به بنده گفت من معماری می‌خوانم من به او بگویم یعنی آخرش میری آجر می‌چینی کنار هم و بنایی می‌کنی؟! خوب به طبع اگر این را من به دانشجوی معماری بگویم همه به بنده می‌خندند اما برعکس اگر کسی به ما بگوید آخرش بافنده می‌شید اونا به ما می‌خندند!





دقت کنیم بین رشته معماری و فرش چه تفاوتی است؟ هر دو هنر و از طرفی کاربردی هستند. هر دو در ایران ریشه‌ای کهن دارند. تفاوت در این است که رشته معماری شناخته شده تر است. مردم بیشتر می‌شناسندش. منظورم رشته معماری است. مردم بنا و عمله بنا را هم می‌شناسند ولی این دو را در جایگاه‌های خودشان می‌شناسند. ولی فرش را در عین حال که می‌شناسند به دلیل اینکه رشته فرش را نمی‌شناسند آن را مرتبط می‌کنند به ذهنیت‌های کلی خودشان یعنی همان بافت فرش.

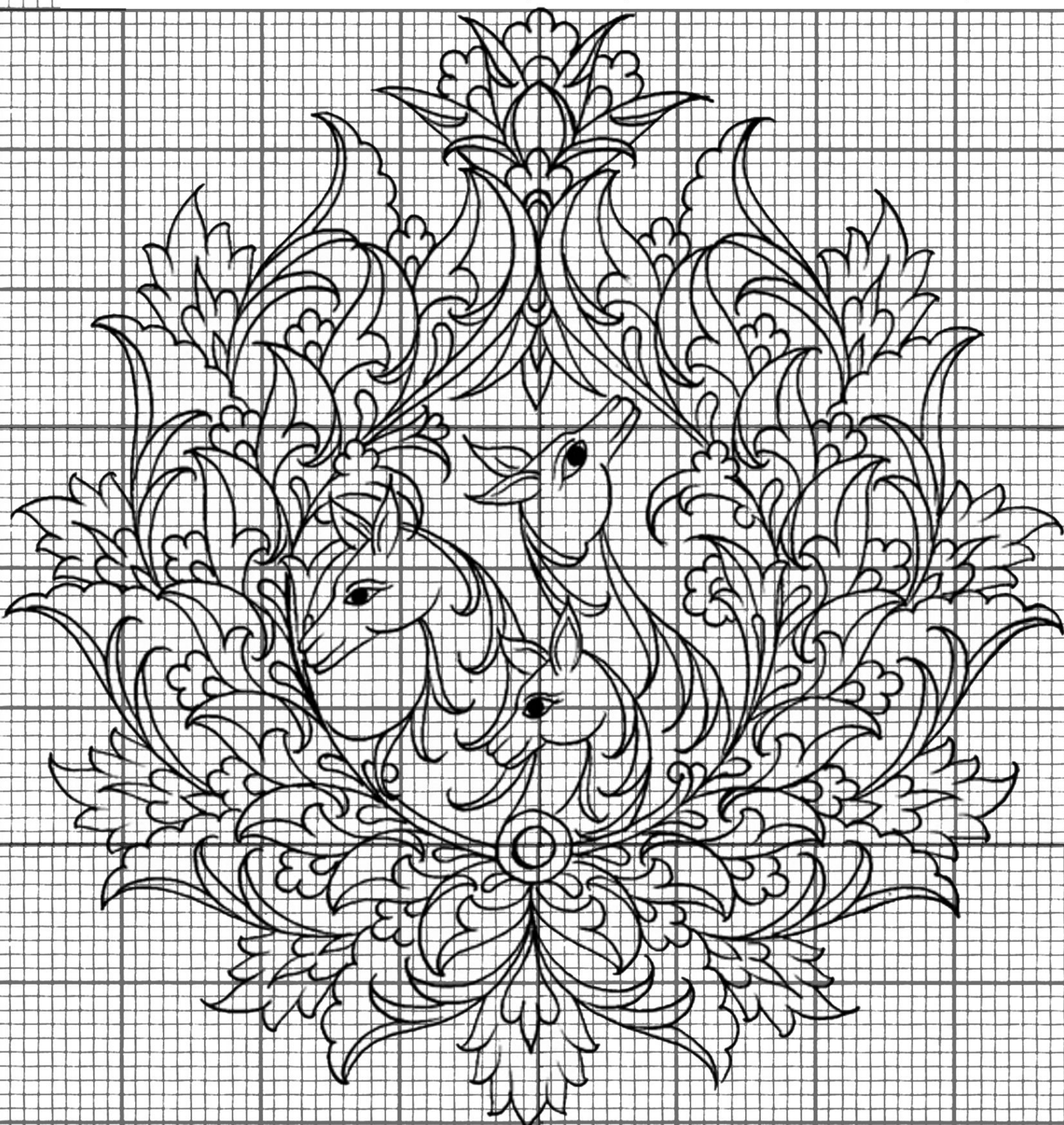
حال برای این تغییر ذهنیت نباید انتظار داشته باشیم که وزارت علوم در تلویزیون تیزر تبلیغاتی پخش کند تا مردم بفهمند رشته فرش چیست. و اگر ما گفتیم فرش همه بدانند منظورمان چیست. حقیقت این است که شناخت رشته فرش نیازمند پروسه‌ایست که در این جریان می‌بایست خود دانشجویان و دانش‌آموختگان فرش به عنوان سفیرانی در جای جای ایران با عملکرد خودشان این رشته را معرفی نمایند.

به هر حال اگر این شرایط برای من دانشجو و یا دانش‌آموخته فرش سخت و گاهی تلخ است مقصر اصلی خود ما هستیم. از این نظر که هیچگاه سعی در تغییر این نگاه نداشته‌ایم. هیچ‌گاه در صدد دفاع از دو، چهار و یا بیشتر از سال‌های عمرمان را نداشته‌ایم. خیلی از اوقات من کارشناس فرش یا دانشجوی فرش هم همسو و هم جهت با نظر عموم شده‌ام و به هر نحوی که توانسته‌ام توی سر رشته‌مان زده‌ام. البته این بخشی از قضیه است.

بخش دیگر این است که خیلی از اوقات نتوانسته‌ایم آنگونه که باید و شاید در بخش‌های مختلف هنر- صنعت فرش خوش بدرخشیم و جایگاه خودمان را حداقل برای اهالی فرش به اثبات برسانیم. لذا روز به روز به جای اینکه شناخته‌تر شویم که هیچ موجی از انتقادات را نیز به سمت خود دال بر بی‌کیفیت و نا کار آمد بودن رشته فرش به سوی خودمان جلب می‌نماییم غافل از اینکه متضرر اصلی ماایم که چندین سال از عمر و جوانیمان به هدر رفته است.

هرچقدر هم که به مسئولین و سیاست‌گزاران رشته فرش انتقاد کنیم و از کم و کاستی‌هایش بگوییم به هر حال هیچ‌یک از آن مسئولین برای ما نامه فدایت شوم نفرستاده بودند که بیایید و در رشته فرش درس بخوانید. ما انتخاب کرده‌ایم و اگر کم و کاستی و نقصی هم هست این ما هستیم که باید در جهت رفع این نواقص تلاش کنیم و از مسئولین ایده‌آل‌هایمان را مطالبه کنیم نه این که به شیوه قهرآمیز ما هم صرفاً چند صباحی باشیم و بعد از این رشته بدگویی کنیم و برویم و تنها خاطراتی تلخ و شیرین برای خودمان

بگذاریم. نتیجه چنین رویکردی به رشته همین می‌شود الان که نزدیک به ۲۰ سال از ارائه فرش در دانشگاه‌ها گذشته ۵۰ سال هم بشود اکثر دانشجویان و دانش‌آموختگان فرش در گفتن نام رشته‌شاش مردد هستند. امیدوارم با رویکرد هرچه کیفی‌تر مسئولین به جذب دانشجویان مستعد و علاقمند به فرش و همچنین سعی و تلاش دانشجویان و دانش‌آموختگان فرش این رشته دانشگاهی یکی از بهترین رشته‌های دانشگاه‌های هنر شود و هر دانشجو و دانش‌آموخته فرش حداقل خودش با افتخار از رشته تحصیلیش صحبت کند، تا انشاءالله تصویر مغشوش جامعه هم از این رشته اصلاح شود.







## مصاحبه

در این شماره در خدمت یکی از دانشجویان ممتاز و فعال رشته فرش دانشکده معماری و هنر دانشگاه کاشان هستیم. خانم نگین نیازی، متولد تهران، ورودی سال ۱۳۸۹ حضور سرکار خانم غلام نیارمی

سلام علیکم

قبل از هر چیز از همکاری شما با نشریه چله و از این که فرصتتان را در اختیار ما قرار می‌دهید متشکریم. قصد داریم در نشریه چله با بهانه‌های مختلف با دانشجویان فرش دانشگاه مصاحبه‌ای انجام دهیم تا هم نظراتشان را ارائه دهند و هم مسئولین با خواسته‌ها و مطالبات آن‌ها بیشتر آشنا شوند (البته در سطح دانشگاه) و فضای گفتمانی تازه‌ای را در این خصوص بین دانشجویان و مسئولین باز کنیم. لذا برای اولین شماره قصد داریم با شما مصاحبه‌ای را به عنوان دانشجوی ممتاز گروه فرش ترتیب دهیم. سوالات مختصر هستند و سعی نمایید با آسودگی و بدون در نظر گرفتن محدودیتی در گفتار حرف خودتان را بزنید که در این صورت به گشایش فضای تازه‌ای در سطح دانشگاه و گروه فرش می‌رسیم که رهیافتی بسیار مغتنم است.

• برای سوال اول معرفی از خودتان برای ما داشته باشید. معرفی شامل: نام، نام خانوادگی، محل تولد و زندگی، سال تولد، رشته دیپلم، سال ورود به دانشگاه، و رتبه قبولیتان در کنکور، معدل‌تان در حال حاضر و احتمالاً اگر مورد دیگری در معرفی خودتان لازم می‌بینید.

• نگین نیارمی محل تولد و زندگی تهران متولد ۱۷ آذر ۱۳۶۱ دیپلم هنرهای تجسمی گرایش نقاشی و کاردانی هنرهای تجسمی از دانشکده دکتر شریعتی تهران، ورودی ۸۹ با رتبه ۱۰۴ (اگر درست به خاطر بیاورم) رشته کارشناسی فرش دانشگاه کاشان، با معدل ۱۹ قبل از ورود به دانشگاه قصد داشتید در چه رشته‌ای ادامه تحصیل دهید؟ آیا فرش اولین و بهترین انتخابتان بود؟ اولین گزینه انتخاب رشته من فرش کاشان بوده که خوشبختانه در اولین گزینه پذیرفته شدم.

• میزان علاقه شما به فرش قبل از ورود به دانشگاه و بعد از آن چه تغییری داشت؟ چه عواملی باعث این تغییر شد؟ همان طور که ذکر کردم اولین گزینه انتخابی من رشته فرش بود به طور اخص در دانشگاه کاشان. چرا که درمورد هنر فرش کاشان بسیار شنیده بودم ولی متأسفانه بعد از ورود به دانشگاه احساس کردم کمی از میزان کیفیت کلی این رشته کاسته شده. به طور مثال در گذشته از بهترین اساتید ایران در رشته فرش در کاشان جهت تدریس دعوت به همکاری میشد که امروزه به آن شکل دیده نمی‌شود.

• آیا احساس می‌کنید که دانشجویان در فضای کلی جامعه فرش حرفی برای گفتن داشته باشند؟ این توانایی را در چه ابعاد و زمینه‌هایی می‌بینید؟

• از نظر من دانشجویان این رشته دارای توانایی و استعداد بسیار بالایی بوده و به هر میزان که فضا و امکانات بیشتری در اختیارشان قرار گیرد امکان تبدیل پتانسیل بالقوه آنان به بالفعل بیشتر وجود خواهد داشت. این دانشجویان تنها احتیاج به جرقه‌هایی برای فعال شدن دارند.

• مهمترین مشکلی که شما در سیستم آموزش عالی فرش با آن مواجه هستید چیست؟ چه راهکاری برای رفع آن پیشنهاد می‌نمایید؟

• اینطور که در دو ترم اخیر در دانشکده خودمان مشاهده کردم شاید بتوان گفت کمبود استاد. هر چند که در این دانشکده اساتید گراندوری حضور دارند ولی به نظر میرسد که از نظر تعداد تا نقطه آرمانی آموزش فاصله داریم. مثلاً در یک ترم با یک استاد دو یا سه درس ارائه می‌گردد در حالی که میشود به جای بهره‌مندی از تجربیات یک استاد از دانسته‌های چندین استاد بهره‌مند شد.

• به آینده حرفه‌ای و شغلی خودتان مرتبط با رشته فرش به عنوان دانشجوی ممتاز تحصیلی چقدر اطمینان دارید؟  
• به امید خدا و با عنایت به علاقه وافری که به این رشته دارم با تلاش و پشتکار مضاعف تمامی مراحل فراگیری این رشته را تا کسب کرسی استادی در این هنر-صنعت طی نموده و در راه اعتلای آن تمامی جهد و توانم را به کار گیرم. امیدوارم بتوانم از توانایی‌هایم بهره‌گرفته و هر آنچه ممکن است به این رشته بیافزایم. این هنر جایگاه رفیعی دارد. ای کاش بتوانیم طرحی نو دراندازیم.





- آیا قصد ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد را هم دارید؟ در چه رشته‌ای؟ و در چه گرایشی؟
- قطعاً. در رشته فرش گرایش طراحی یا مدیریت. امیدوارم تا آن زمان مقطع دکتری این رشته نیز برقرار شده باشد.
- آیا فکر می‌کنید مقطع کارشناسی ارشد فرش مقطعی لازم و ضروری در سیستم آموزش عالی فرش است؟ مقطع دکترای تخصصی فرش چگونه؟
- بله کاملاً. با توجه به فضایی که دانشگاه کاشان دارد و استعدادهایی که در آن وجود دارد باید مقطع دکتری در رشته های مختلف و به ویژه رشته فرش به وجود آمده تا شاهد رشد و بالندگی روزافزون آن باشیم.
- صحبت پایانی و احتمالاً اگر نکته‌ای به ذهنتان می‌رسد که در سوالات نبود.
- با تشکر از این فرصت که در اختیارم قرار دادید و همچنین سپاس از تلاش های فرهنگی شما در زمینه گسترش هویت هنر فرش ایرانی و اعتلای آن.

موفق و پیروز باشید  
هیئت تحریریه چله



## گزارش بازدید گروه فرش دانشگاه کاشان از نمایشگاه فرش دستباف قم

پرویز داویدیان پور - دانشجوی کارشناسی ارشد فرش

نمایشگاه فرش دستباف قم در سال جاری از پنجشنبه ۲۰ الی دوشنبه ۲۵ آبان سال جاری در محل دائمی نمایشگاه های قم برگزار شد. طی بازدیدی که در روز دوشنبه مورخ ۲۵ با حضور اساتید محترم آقای لطفی (استاد مرمت و بافت فرش) و آقای حسن عزیری به همراه گروهی از دانشجویان گروه فرش دانشگاه کاشان انجام گرفت ضمن بازدید از چندین غرفه تولید کنندگان بخش خصوصی از جمله جمشیدی، میر مهدی، رجبیان، رشتی زاده، شکاری و بسیاری دیگر صورت پذیرفت، ضمن بررسی و گفتگو با این صاحب نظران به شناخت نحوه تولید و تنوع محصولات از لحاظ تکنیک های بافت، رنگریزی و طراحی و بازاریابی و شناخت بازارهای هدف فرش قم در سال جاری پرداخته شد. آنچه در این نمایشگاه مشهود بود و بسیار به چشم می خورد تحول و تغییر بسیار سریع در روند استفاده از طرح های جدید با گرایش به ظرافت و شلوغی به همراه ترکیب بندی های پیچیده و تقسیم زمینه به قسمتهای زیاد به روش تذهیب کاران و به دور از رعایت سبک طراحی سنتی در فرش دستباف می باشد به گونه ای که می شد فرش های تولیدی را با تابلوهای تذهیب مقایسه کرد. در بسیاری از غرفه ها فرش های ظریفی با رجشمار ۶۰ تا ۸۰ دیده می شد که از لحاظ فرم و ترکیب بندی و استفاده بسیار زیاد از دسته گلها و گل های خوشه ای به سبک فرشهای سبزیکار (گلستان) کرمان نزدیک و شبیه بودند.

به هر صورت این ذهنیت تقویت می شود که پس از دوره های متعدد گرایش به استفاده فرش قم از طرح مناطق مهم و صاحب سبک از جمله کاشان، اراک، اصفهان، تبریز و همین طور دوره هایی که به تجربه استفاده از طرح های تذهیب کاران بنام معاصر و هم دوره همچون آقا میری و... پرداخته شده در یک گریز و رجعت دوباره به سبک های سنتی و موفق گذشته این بار سبک کرمان را به تجربه می آزمایند و البته نباید فراموش کرد که این برداشت یک کپی مطلق نیست بلکه خلاقیت طراحان قم در جهت استفاده از نگاره ها و دسته گل های جدیدتر با قلم و شیوه ای ظریف تر یک الگوی جدید ارائه می کند که ما بین سبک کرمان و طرحهای تذهیب است و این گونه جدید طراحی را به گونه ای باید به عنوان شهر تولید کننده آن یعنی قم نامگذاری کرد.

نکته قابل توجه در این نمایشگاه اینست که تولیدات ارائه شده فرش دستباف قم هیچ همخوانی با الگوهای مطرح شده از طرف متولیان و مسئولان هماهنگ کننده صنعت فرش در قالب کتابچه های راهنمای بازار و شناخت بازارهای داخلی و خارجی که البته شامل چند کشور مهم بازار سنتی ایران بوده و هستند نمی شود و جالب تر آن که در رنگ بندی و طراحی در جهتی کاملاً مخالف گام برداشته اند.

برای پاسخ به این پرسش با تنی چند از تولید کنندگان از جمله آقای رجبیان رئیس اتحادیه صادر کنندگان فرش قم و همینطور آقای جمشیدی

به گفتگو پرداختیم. ایشان بدینگونه پاسخ دادند که بازار هدف تولیدات فرش ابریشم قم که ۹۰ درصد تولید فعلی این شهر را شامل می شود بازارهایی خارج از بازارهای سنتی در اروپا و آمریکا هستند. مهمترین بازار فرشهای گرانقیمت قم، کشور ژاپن است که سلیقه ای کاملاً متفاوت با غرب دارند! خریداران ژاپنی به فرشهای ظریف با رنگهای شاد و تند با طرحهای پرکار و شلوغ و مملو از گل علاقه بسیار زیادی دارند و البته این با طرحهای هنری در این کشور بسیار همخوانی دارد و تنها کافی است به تابلوهای نقاشی و هنرهای تزئینی و سنتی ژاپن نگاهی بیندازیم. لذا شناخت فرهنگ بومی کشورهای با فرهنگ سنتی یا تمدنی کهن و مستقل و بدرو از تاثیر پذیری الگوهای مد در غرب به ما این امکان را میدهد که محصول هنری خودمان را در قالبی هماهنگ با کشورها و بازار مقصد به گونه ای عرضه کنیم که ضمن حفظ اصول هنری و فرهنگی خودمان، خریداران بازار هدف را هم راضی و خشنود کنیم و در این راستا تبادلی مثبت و سودآور را برای گروهی بزرگ از صنعت فرش فراهم کنیم. در ادامه لازم است اشاره کنیم که علاوه بر ژاپن کشورهایی چون روسیه و کشورهای حوزه خلیج فارس و جنوب دریای مدیترانه متقاضیانی







به نسبت جدید هستند و علاوه بر توجه به خرید فرشهای کرکی و پشمی برای مصرف کف پوش و زیر انداز نگاه متفاوتی هم به خرید فرشهای ظریف ابریشمی قم و البته مناطق دیگر دارند .

در ادامه فرصتی به دست آمد تا از غرفه اتحادیه تعاونیهای فرش دستباف روستائی قم نیز بازدید داشته باشیم و طی گفتگو با آقای اخوان مشخص شد باتوجه به فعالیت قدرتمند بخش خصوصی و موفقیتهای بدست آمده در این بخش و همین طور تغییر الگوهای زندگی در بخش روستائی این استان ، استقبال بافندگان از همکاری با بخش تعاونیهای فرش روستائی کم رنگ شده و همینطور تولید فرشهای با کیفیت در این بخش که البته بر روی فرشهای متوسط ( گروه فرشهای کرک و کرک و ابریشم و فرشهای پشمی ۴۰ تا ۵۰ رج ) و در ابعاد بزرگتر از قالیچه ( ۱۶۰ - ۲۳۰ ) و همینطور ابعاد بزرگ پارچه متمرکز بوده است کمتر و کمتر می شود . افزایش دسمزد بافت فرشهای ابریشمی ریز باف و راحت تر بودن کار در فضای کم و همینطور کم زحمت تر بودن بافت فرشهای ابریشمی بدلیل کاهش استفاده از نیروی جسمانی از دلایلی است که ادامه فعالیت در بخش تعاونیها را با مشکلاتی مواجه کرده است. به گفته آقای اخوان در حال حاضر بیشتر بافندگان این بخش را بافندگان با سابقه و قدیمی که به سنین بالا رسیده اند تمایل به همکاری دارند و علاقه بخش جوان روستائی در زمینه فعالیت تعاونیهای فرش دستباف بسیار کم رنگ است و این می توان زنگ خطری باشد برای قسمتی از چرخه تولید استان قم و حتی کشور!!!

بی تردید صنعت فرش در استان قم که امروزه در سطح ملی و بین المللی کاملاً شناخته شده است، یکی از سه رکن اصلی صنعت فرش در کشورمان است.

رئیس اتحادیه صادرکنندگان فرش قم از تولید تخصصی فرش ابریشم در استان قم گفت: بیش از ۹۵ درصد فرشهای دستباف در استان قم فرشهای ابریشم بوده و به تعبیری استان قم تنها استان تولیدکننده تخصصی فرش ابریشم در کشور است.

آقای جانقربان یکی دیگر از مسولان اتحادیه صادر کنندگان در ادامه به اختصار، شرایط تولید فرشهای ابریشمی در قم را بیان کردند:

۱ - تعداد بافندگان قم در حدود ۴۵۰۰۰ نفر اعلام شد.

۲ - بیش از ۹۰ درصد جمعیت بافندگان فرش قم را مهاجرین آذری زبان تشکیل میدهند که در این شهر به بافت فرش اشتغال دارند.

۳ - به دلیل شیوه بافت ویژه مهاجرین و استفاده از چاقوی قلاب دار و تکنیک گره متقارن به همراه تفاوت در روش پود دهی و شیرازه پیچی منفصل باید گفت که تنها ۵ درصد از تولیدات فرش قم توسط بافندگان اصیل قمی تولید می شود و مابقی کاملاً به شیوه بافت مناطق آذری زبان تولید می شود.

۴ - رجشمار فرش ابریشمی قم در حال حاضر ۶۰ تا ۷۰ رج است (حدود ۸۵ درصد) و عده خاصی از تولید کنندگان قم به رجشمارهای ۹۰ تا ۱۲۰ توجه داشته اند که بارزترین تولید کننده این گروه که در نمایشگاه حضور داشتند آقای جمشیدی بودند و فرشهای بسیار ظریف و نفیسی را ارائه کرده بودند.

۵ - تمامی فرشهای ظریف بالاتر از ۵۰ رج تمام ابریشم می باشند. ( چله ، پود و پرز ابریشم )

۶- رنگریزی با رنگهای شیمیائی با کیفیت بالا انجام میشود و به ندرت فرش ابریشمی با رنگ سنتی ( طبیعی ) به چشم می خورد ( تنها عده معدودی از تولید کنندگان با سابقه و قدیمی که تجربه زیادی در زمینه تولید این گونه فرشها داشتند به تعداد محدودی از این فرشها در نمایشگاه عرضه کرده بودند و البته قیمت آنها به مراتب بالاتر از فرشهای با رنگ شیمیائی اعلام می شد.

در ادامه لازم می دانم جهت آشنائی بهتر علاقمندان چند مورد از تولیدات فرش قم را به همراه مشخصات و قیمت آنها ارائه نمایم :

| ردیف | نام طرح                   | طول | عرض | تعداد چله | رجشمار | رنگ زمینه    | رنگ حاشیه    | قیمت به تومان | نام تولیدکننده |
|------|---------------------------|-----|-----|-----------|--------|--------------|--------------|---------------|----------------|
| ۱    | لچک ترنج زیر خاکی         | ۳۰۰ | ۲۰۰ | ۲۴۰۰*۳۴۰۰ | ۹۰     | لاکی، کرم    | سبز ترمه ای  | ۴۰۰۰۰۰۰       | جمشیدی         |
| ۲    | گلفرنگ قاجار-لچک ترنج     | ۳۵۰ | ۲۵۰ |           | ۷۰     | کرم، خاکی    | لاکی         | ۵۰۰۰۰۰۰       | رجبیان         |
| ۳    | افشان کرمانی              | ۳۰۰ | ۲۰۰ | ۱۴۰۰*۲۰۰۰ | ۴۵     | کرم استخوانی | کرم استخوانی | ۴۰۰۰۰۰۰       | رشتی زاده      |
| ۴    | لچک ترنج سبزیکار          | ۱۵۰ | ۱۰۰ | ۱۱۰۰*۱۶۵۰ | ۶۰     | مشکی         | مشکی         | ۱۵۰۰۰۰۰       | قاسم زائری     |
| ۵    | لچک ترنج، زمینه سبزیکار   | ۹۰  | ۶۰  | ۱۰۰۰*۱۳۰۰ | ۹۰     | متنوع        | متنوع        | ۲۰۰۰۰۰۰       | قاسم زائری     |
| ۶    | لچک ترنج گلفرنگ-گل ابریشم | ۴۰۰ | ۳۰۰ | ۱۸۵۰*۲۵۰۰ | ۴۵     | کرم          | خاکی         | ۲۸۰۰۰۰۰       | اتحادیه فرش    |
| ۷    | قالیچه ترنج گل و مرغ      | ۱۲۰ | ۸۰  |           | ۸۰     | مشکی         | مشکی         | ۶۵۰۰۰۰۰       | کفاش زاده      |



### در دست چاپ

کتاب "رنگری الیاف پروتئینی با رنگینه های مصنوعی" نوشته ی "دکتر احمد اکبری" عضو هیئت علمی دانشکده هنر و معماری دانشگاه کاشان در دست چاپ است. این کتاب دارای ۶ فصل و ۱۸۰ صفحه می باشد که دو فصل نخست آن، به معرفی رنگزاهای شیمیایی و ساختار لیف پشم و همچنین تئوری رنگری با الیاف پروتئینی می پردازد و چهار فصل دیگر رنگینه های اسیدی، متال کمپلکس، کرومی و راکتیو می باشد. در این کتاب سعی شده است در پایان هر فصل نکاتی پیرامون رنگری با ابریشم نیز گفته شود. \*باتوجه به وقفه ای که در چاپ نشریه صورت گرفت این کتاب در حال حاضر به چاپ رسیده است.

### در دست چاپ

کتاب گل در قالی کاشان نوشته ی حسن عزیزی عضو هیئت علمی دانشکده هنر و معماری دانشگاه کاشان در دست چاپ است. این کتاب دارای سه فصل و ۱۲۲ صفحه می باشد که فصل اول آن به پیشینه تاریخی گل ها، فصل دوم به معرفی گل های ایرانی و فصل سوم به گل های قالی کاشان به خصوص از دوران کاشان تا معاصر می پردازد. در این کتاب سعی شده است به معرفی گل هایی که از دید عموم پنهان مانده که غالباً گل هایی هستند که با پیکر موجودات تلفیق شده است و دیدن آن ها به سادگی امکان پذیر نیست، پرداخته شود... همچنین در این کتاب گل ها به صورت خطی طراحی شده است...





## اخبار:

به گزارش روابط عمومی دانشگاه کاشان دکتر "امیرحسین چیت‌سازیان"، دکتر "عباس اکبری" و دکتر "احمد اکبری" به عنوان پژوهشگران برتر استان اصفهان در گروه هنر و معماری معرفی شدند.

. دانشیار محترم دانشکده هنر و معماری جناب آقای دکتر احمد اکبری پژوهشگر نمونه دانشگاه معرفی شدند.  
منبع: روابط عمومی دانشگاه کاشان

در سیزدهمین جشنواره تجلیل از پژوهشگران و فناوران برتر سال ۱۳۹۱ فصلنامه علمی پژوهشی گلجام به‌عنوان نشریه برتر در زمینه هنر انتخاب و معرفی شد. منبع: انجمن علمی فرش ایران

به مناسبت هفته پژوهش نشست «نفوذ فلسفه در هنر» به همت انجمن علمی پژوهش هنر و هنر اسلامی و گروه پژوهش هنر و هنر اسلامی دانشکده معماری و هنر دانشگاه کاشان برگزار شد. منبع: روابط عمومی دانشگاه کاشان

اکبر برادر هریسچیان، عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی تهران، صبح روز دوشنبه بیستم آذر ۱۳۹۱ به دلیل بیماری‌دار فانی را وداع گفت. منبع: خبر آنلاین

مشارکت مرکز ملی فرش در برگزاری کنفرانس بین‌المللی فرش در اتریش. منبع: ایرنا  
شورای گسترش آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با ایجاد پژوهشکده فرش در دانشگاه کاشان موافقت کرد. منبع: واحد مرکزی خبر

تفاهم‌نامه‌ای ۹ ماده‌ای با عنوان «بکارگیری دستاوردهای فناوری نانو در راستای هنر صنعت فرش دستباف ایران» میان مرکز ملی فرش ایران و ستاد توسعه فناوری نانو به‌امضا رسید. منبع: ایسنا

سالانه بیش از ۲۰۰ نفر دانشجویان رشته مرمت فرش فارغ‌التحصیل می‌شوند به گزارش خبرنگار حوزه میراث فرهنگی‌اشگاه خبرنگاران؛ سالانه بیش از ۲۰۰ دانش‌آموخته رشته بافت، تکمیل و مرمت فرش دستباف از دانشگاه‌های کشور فارغ‌التحصیلان شده و به جمع هنرمندان رفوگر کهنه کاری که به تماشای افول این هنر اصیل ایرانی نشستند، اضافه می‌شوند. اما این درحالی است که رئیس اتحادیه رفوگران فرش دستبافت می‌گوید: این هنر در داخل کشور دیگر اشباع شده و هیچ تقاضایی برای به کارگیری آن نیست و اگر هم باش بسیار اندک و ناچیز است. در سال‌های نه‌چندان دور، فرش دستبافت بعد از نفت دومین کالای با ارزش صادراتی ایران بود و علاوه بر بافت، سایر مشاغل مرتبط با آن نیز از رونق خاصی برخوردار بودند، اما ضعف مدیریت داخلی و حضور رقبای پر قدرت، فرش دستبافت ایران را از نفس انداخت و به دنبال آن رفوگران فرش نیز یکی پس از دیگری از کار بیکار شدند. بر اساس این گزارش، با این که دانشگاه‌ها و موسسات دولتی هنوز در حال جذب دانشجوی فرش دیگر به مانند گذشته جذابیت نداشته‌اند اکثر هنرمندان این رشته به دنبال کار در خارج از کشور می‌گردند. طی یک آمار میدانی کمتر از دو درصد هنرمندان رفوگر فرش که تحصیلات آکادمیک و تجربه موفق کاریداشته‌اند برای نگهداری و حفاظت قالب در گالری‌ها یا انبارهای فرش خارج از کشور جذب شده‌اند و بقیه به مشاغل غیر مرتبط با فرش مشغول هستند.

گفتنی است، رفوگران فرش از بیمه تامین اجتماعی با عنوان مرمتگر فرش دستبافت استفاده می‌کنند اما این حرفه جز مشاغل سخت به حساب می‌آید چرا که فرش طبق یک طرح و نقشه مشخص به تدریج بافته می‌شود در حالی که مرمت یک فرش که بخش زیادی از آن از بین رفته باشد باید با هنرمندی خاص رفوگر با تطبیق طرح و نقش قسمت‌های سالم با بخش آسیب دیده احیاء شو که به تخصص، تبحر و تخیل قوی نیاز دارد.

منبع: باشگاه خبرنگاران جوان





## نقد کتاب

درباره نویسنده

پرویز تناولی بیشتر از آنکه یک محقق و پژوهشگر فرش باشد یک مجسمه‌ساز و یک هنرمند است. گواه این مسئله مجموعه آثار و تحصیلات او می‌باشد. ولی با این حال او با علاقه‌ای ستودنی به فرش و دستبافته‌های ایلات و عشایر ایران تحقیقات قابل توجهی را در این زمینه نیز به انجام رسانیده و نتیجه این تحقیقات چند کتاب در مورد فرش است.

پرویز تناولی در سوم فروردین ماه سال ۱۳۱۶ در تهران و در محله دروازه شمیران در یک خانواده متوسط به دنیا آمد. وی از سنین ده تا یازده سالگی فعالیت هنری خود را با نوازندگی ویلن زیر نظر استادانی چون نیک نواز و ابوالحسن صبا آغاز کرد. تناولی تحصیلاتش را در دبیرستان ادیب ادامه داد و هنگام تعطیلی دبیرستان به هنرستان کمال‌الملک می‌رفت. در سال ۱۳۳۲ هنرستان هنرهای زیبا در تهران تأسیس شد و او در رشته مجسمه‌سازی نام‌نویسی کرد. وی پس از گذراندن دوره سه ساله مجسمه‌سازی در هنرستان هنرهای زیبا در سال ۱۳۳۵ به ایتالیا رفت و در آکادمی هنرهای زیبای شهر کارا مشغول به تحصیل شد. بعد از دو سال مقدار پولی که وی از طریق تدریس موسیقی و کمک‌های مالی خانواده‌اش پس‌انداز کرده بود تمام شد و در سال ۱۳۳۶ مجبور شد به ایران بازگردد. در دی ماه همین سال، او برای نخستین بار در ایران مجموعه‌ای از آثار یک مجسمه‌ساز شامل حکاکی‌ها، مجسمه‌های سفالی و مجسمه‌های ساخته شده از آهن قراضه‌ها را در ایران به نمایش گذاشت.

پس از برگزاری این نمایشگاه بود که در اواخر سال تناولی با وزیر فرهنگ آن زمان آشنا شد و توانست از وزارت فرهنگ (آموزش و پرورش) بورسی برای ادامه تحصیلاتش در ایتالیا بگیرد. این بار او به میلان رفت و قریب به دو سال در آکادمی بررا (Brera) نزد مارینو مارینی مجسمه‌ساز برجسته ایتالیایی آموزش دید. او در سال ۱۳۳۸ دیپلم خود را با کسب مقام اول به لحاظ برتری نمرات تحصیلی از آکادمی بررا دریافت نمود و بعد از آن نمایشگاه‌های مختلفی در زمینه مجسمه‌سازی برگزار نمود. پرویز تناولی از جمله کارشناسان فرش ایرانی و بافته‌های عشایری نیز محسوب می‌شود. او سال‌های زیادی برای شناخت گبه، میان عشایر و روستاییان رفت و آمد داشت و سرانجام با چاپ مقاله‌ای پژوهشی در لندن در سال ۱۹۸۳ م، آن را به جهانیان معرفی کرد.

او همچنین مجموعه‌ای از جواهرات را طراحی و ساخته است که با استقبال خوبی مواجه بوده است.

## کتابشناسی

هنر فولادسازی در ایران - ترجمه (۱۳۸۱)

گبه: هنر زیر پا (۱۳۸۳)

قالیچه‌های تصویری ایران (۱۳۶۹)

طلسم: گرافیک سنتی ایران (۱۳۸۶)

سنگ قبر (۱۳۸۸)

سفره‌های کامو (۱۳۷۷)

سرمه‌دان (۱۳۸۶)

سرامیک (۱۳۸۹)

دستبافته‌های روستایی و عشایری ورامین (۱۳۸۰)

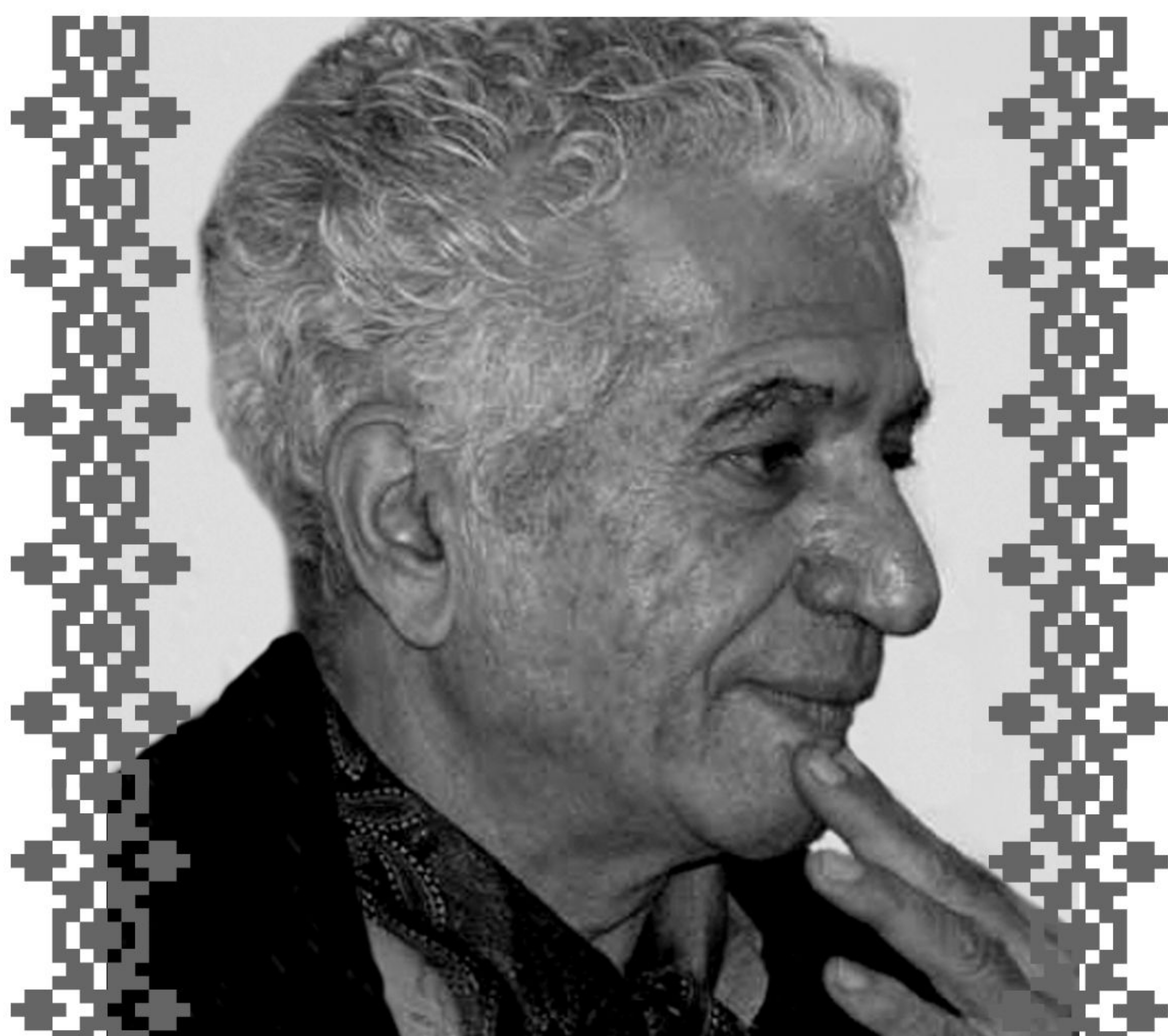
جواهرات (۱۳۸۷)

ترازو و سنگ (۱۳۸۷)

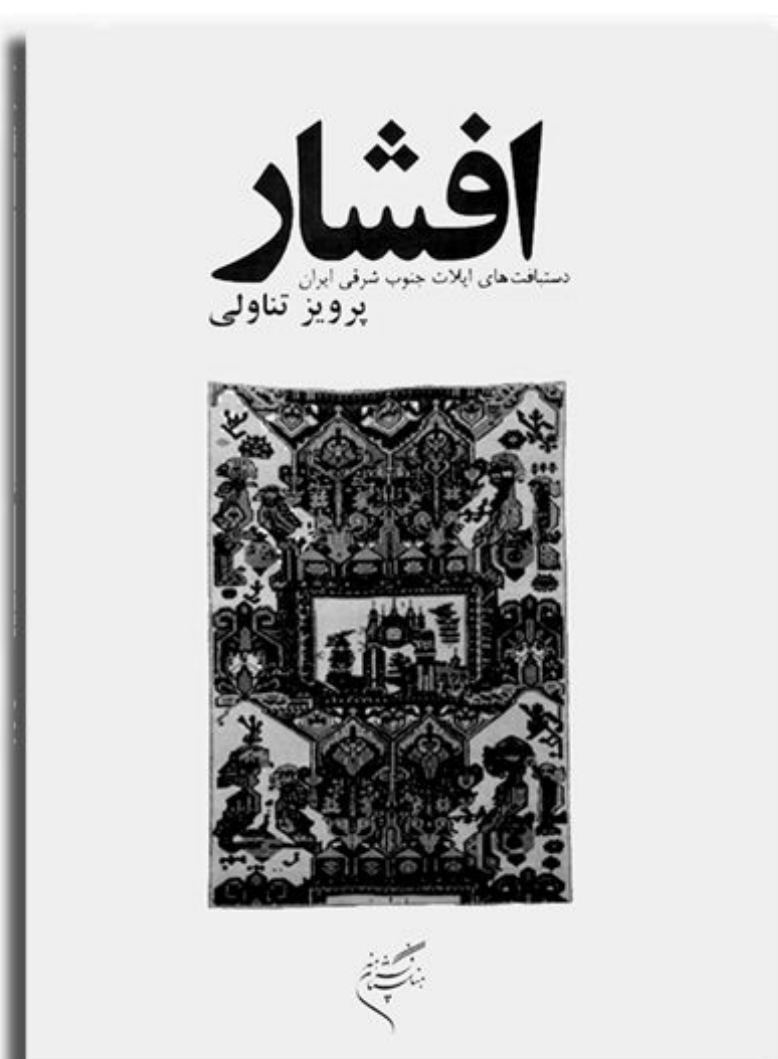
تاچه‌های چهارمحال (۱۳۷۷)

افشار: دستبافته‌های ایلات جنوب شرقی ایران (۱۳۸۹)

آتلیه کبود (۱۳۸۴)







افشار - دستبافته‌های ایلات جنوب شرقی ایران

نویسنده: پرویز تناولی

دو زبانه فارسی - انگلیسی

ترجمه فارسی به انگلیسی: امین نشاطی، مهدی چالشگر، تندر تناولی

چاپ اول: پاییز ۱۳۸۹ شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه ویراستار انگلیسی: سارا شریل

ناشر: موسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن» و فرهنگستان هنر

۲۵۸ صفحه تمام رنگی گلاسسه.

سلطان به پراکندگی ما فرمان داده است، البته فرمان‌ها در دست اوست اما کوه‌ها از آن ماست.

دادال اوغلی، شاعر افشار

«افشار» را می‌توان کتاب جامعی درخصوص افشارها با رویکرد معرفی دستبافته‌های آن‌ها دانست که ثمره تلاش و تحقیقی میدانی و کتابخانه‌ای است. اطلاعات تاریخی کتاب در مورد افشارها بسیار کامل و راهنما می‌باشد و به عبارتی در حدود ۱۵ درصد از کتاب را شامل می‌شود. در این بخش به سابقه تاریخی و موقعیت جغرافیایی و بومی و مردم شناسی افشارها و اختصاصاً افشارهای کرمان پرداخته شده است. در این بخش، از اسناد، نوشته‌های تاریخی و نقشه‌ها و نمودار پراکندگی افشارها به نحو مطلوبی در بیان شرایط و موقعیت جغرافیایی آن‌ها استفاده شده و یک تاریخ نگاری مستند را ارائه می‌دهد. همینطور تصاویر زیبایی از مناطق افشار نشین دارا می‌باشد که فضای لازم را به نوعی تصویر سازی می‌نماید.

در ادامه مشخصات کلی فرش افشار و ورود نام فرش افشار به ادبیات فرش را می‌خوانیم. مشخصات تاریخی و سیر تحول و انواع فرش های افشارها، ابعاد فنی و تکنیکی با توضیحات توأم با تصویر جهت فهم بهتر مطالب و همچنین وضعیت تولید، تجارت و صادرات آن در دوره‌های تاریخی و به نوعی سرگذشت آن به خوبی پرداخته می‌شود که حاصل مجموعه‌ای از مطالعات اسنادی و میدانی است. مسئله‌ای که در بخش پژوهش‌های فرش معمولاً همراه با هم نیست و مشکلاتی را شامل می‌شود.

معرفی ابعاد تکنیکی و فنی بافت فرش افشار همچنین ساختار فرش در بین اقوام مختلف افشار و بیان ویژگی منحصر به فرد هر یک از این اقوام نیز قابل تأمل و جالب است. قواره‌های فرش افشار، تعیین قدمت، طرح و نقشه و تمایز بین فرش‌های افشار و افشار گونه از دیگر بخش های معرفی فرش افشار در این کتاب است. معرفی هریک از مناطق افشار باف کرمان نظیر سیرجان، بافت و اقطاع، بردسیر، شهر بابک و دهج، جیرفت، کوهی و اسفندقه نیز بخش دیگری از این کتاب را تشکیل داده است.

در ادامه انواع مختلف دستبافته‌های افشار نظیر مفرش، زیراندازهای تخت باف، سفره، محفظه‌های افشاری، رکعت، خرجین، نیم خرجین، قاشق دان، قلیان دان، آئینه دان، نمکدان، چپق دان و توتون دان، قرآن دان، پوشش‌های اسب و ... مورد بررسی قرار گرفته‌اند و توضیحات جالب و خواندنی در مورد کاربرد و نقوش روی آن‌ها آورده شده است. پایان بخش کتاب تصاویر فرش‌ها و سایر دستبافته‌های افشاری است که با مجموع بیش از ۱۰۵ تصویر از انواع دستبافته‌های افشار مجموعه کاملی را به همراه توضیحات تکمیلی از محل بافت، اندازه، قدمت و توضیحات نقش و نگار و رنگ آمیزی آن ارائه می‌دهد.

نقد و نظر

کتاب افشار از نظر ابعاد فنی چاپ، رنگ و تصاویر نمونه‌ای بسیار قابل تأمل است و در بین کتاب‌های فرش از این نظر تلاشی بس ستودنی انجام شده است. همچنین در بیان و عنوان موضوع و معرفی یکی از اصیل ترین دستبافته‌های عشایری ایران که ملزم به انجام تحقیقاتی میدانی و اسنادی بوده است اقدام در خوری صورت گرفته است. و یک توصیف کامل بوده است که بسیار به کار پژوهشگران و دانشجویان فرش خواهد آمد. و چراغی است در زمینه پژوهش فرش ایران که جای تقدیر و تحسین دارد. اطلاعات کامل و جامع از تصاویر فرش‌های موجود نیز نکته مثبت دیگری در این کتاب است که عمدتاً در کتاب‌های تصویر محور هم کمتر اینچنین کامل مشاهده می‌شود.

عمده مشکلی که به نظر می‌رسد در این بین وجود داشته باشد با توجه به محدودیت‌های نشر کتب تخصصی فرش عدم پرداخت به ریشه های نقوش و جنبه‌های سمبلیک و نمادین فرش افشار است. که تقریباً می‌توانیم بگوییم تناولی در هیچ جا نخواست در دستبافته‌های افشار وارد این مقوله شود. و به نظر در کنکاش نوعی خاص از فرش ایلات و عشایر که هر یک از طرح‌ها و نقوش و رنگ‌هایشان آبخوری در ادب و رسوم اعتقاداتشان دارد جای خالی اش بسیار احساس می‌شود. البته این مسئله نیز چیزی از ارزش‌های کتاب و یا مؤلف نمی‌کاهد اما دقت در این نکته که دیگر چه زمانی محقق و پژوهشگری بخواند در خصوص نقوش دستبافته‌های افشار و شاخصه نمادین آن‌ها بحث و بررسی انجام دهد این کمبود در کتاب را آزار دهنده می‌نماید.

مسئله دیگری که پرداخت آن در کتاب می‌توانست جامعیت بیشتری به آن ببخشد معرفی شرایط حاکم بر فرش‌بافی افشارهاست. در هیچ جای کتاب معرفی از شرایط کنونی و یا حتی دهه اخیر فرش افشار را نداریم و یا حتی بیان مشکلات و مسائل حال حاضر فرش‌بافی افشار و مشخصاً ابعاد تجاری و اقتصادی آن. بیان این مسئله که چه بازارهایی خواهان این نوع بافته‌ها هستند و این مسئله چگونه می‌تواند هنر این بافته‌ها را تحت تأثیر قرار دهد؛ و به بهانه سودهای تجاری اصالت‌ها نابود شوند. البته شاید محقق در طول تحقیق خود این مسئله را درک نکرده باشد و یا مهم ندانسته باشد که حداقل عنوان آن می‌توانست با توجه به درخطر افتادن برخی دست بافته‌ها در مناطق دیگر یک اعلام خطر باشد.

به هر ترتیب کتاب افشار مجموعه‌ای تخصصی و در حال حاضر جامع‌ترین مرجع فرش و سایر دستبافته‌های افشارهای کرمان است که چندی است وارد بازار کتاب شده است و می‌تواند محققان و پژوهشگران را هرچه بیشتر و بهتر در کنکاش هنر فرش‌بافی ایلات و عشایر کشورمان راهنما باشد.